

### یادداشت

## یک توپیت و چند نکته

### هائی‌رسنگاران

فعال رسانه و تحلیلگر مسائل سیاسی

با گذشت ماه‌ها از ایام انتخابات، این روزها بازار رقابت در تخریب رئیس‌جمهور منتخب مردم بیش از پیش از سوی رسانه ملی و عناصر وابسته به آن، چه مجری‌های فعلی و چه سابق که به تبع شهرت و ایجاد روابط، به سمت‌های مختلف رسیدند، حساسی داغ است. در یکی از آخرین اقدامات، وحید یامین‌پور، معاون سابق امور جوانان وزارت ورزش و جوانان و شخصیتی که با مجری‌گری برنامه گفت‌وگوی تلویزیونی دیروز، امروز، فردا در صداوسیما به شهرت رسید، در کانال تلگرامی خود نوشت: «احساس می‌کنم هنوز رئیس‌جمهور نداریم… باید بر احساسم غلبه کنم. ولی هرچه دقیق‌تر نگاه می‌کنم، بیشتر نمی‌بینم.»
درج این جمله در کانال تلگرامی شخصی که اعتبار و شهرت خود را از نظام کسب کرده، کافی بود تا واکنش‌های متفاوتی از سوی طیف‌های فکری گوناگون سیاسی و اجتماعی به سمت او روانه شود. یکی از جنجالی‌ترین ایسن واکنش‌ها که بعد از چند ساعت در کانالی با عنوان اصلاحات‌نیوز (متفاوت از اصلاحات‌نیوز اصلی و تحت مدیریت علی احمدنیا) بازنشر شد، توپیت بنده بود که در پاسخ ایشان نوشتم: «وحید یامین‌پور کارمند دولت است و از بیت‌المال ارتزاق می‌کند. این شخص که با استفاده از مالیات ملت در صداوسیما به شهرت رسید، امروز(…) در رسانه‌ای می‌گوید احساس می‌کنم هنوز رئیس‌جمهور نداریم! حقوق این ماهش را پرداخت نکنید تا جای خالی رئیس‌جمهور را کاملا احساس کند».
وحید یامین‌پور سال‌ها کارمند دولت بوده و ضمن فعالیت برای صداوسیما، در مناسب دولتی ارشد متعددی کار کرده است. علاوه بر این، به گفته خودش، این فارغ‌التحصیل دانشگاه امام صادق(ع) که هم‌دوره‌ای‌های او بسیاری از پست‌های مدیریت ارشد و میانی دولت سیزدهم را به احاطه خود درآورده بودند، در دانشگاه تدریس می‌کند و قاعدتا اگر دانشگاه دولتی باشد، باز هم از بیت‌المال و حقوق دولت ارتزاق می‌کند. با این تفاسیر که اینک به آخر ماه رسیده‌ایم و ایشان حقوق خود را دریافت کرده است، هنوز هم جای رئیس‌جمهور را خالی می‌بیند؟ از منظر آقای یامین‌پور که تفکرات سیاسی او منتسب به طیف خودخوانده انقلابی است، فقط شهید رئیسی، رئیس‌جمهور دولت سیزدهم، جای ریاست‌جمهوری را پر کرده بود و هرکس جز ایشان یا سعید جلیلی که از او در انتخابات گذشته حمایت می‌کرد، نمی‌توانند جای رئیس‌جمهور را پر کنند تا در دیدگان ایشان قابل لمس و رویت باشد؟ آیا اینکه یک نفر در رسانه ملی که اعتبار سنواتی آن از مالیات مردم تأمین می‌شود، به صراحت اعلام کند از رئیس‌جمهور فعلی کشور شرم می‌کند یا یک مجری سابق دیگر بگوید احساس می‌کند رئیس‌جمهور نداریم، وهن مقام عالی دوم کشور که با اکثریت مطلق آرای ملت به این سمت گمارده شده و حکم تنفیذ خود را از مقام معظم رهبری اخذ کرده، نیست؟
چطور اشخاصی که تمام اعتبار و سابقه خود را مدیون همین مردم هستند و هزینه بیت‌المال برای آنها بوده، به خود اجازه می‌دهند به منتخب مردم این‌طور بتازند و دقیقا خلاف فرمایشات ارزنده رهبر معظم انقلاب که همواره بر اتحاد، وحدت و وفای میان گروه‌ها، احزاب و تفکرات سیاسی برای پیشبرد اهداف عالیه نظام و بهبود وضعیت کشور برای عموم مردم تأکید دارند، رفتار کنند.
انقلابی‌های خودخوانده از این دست، فقط یک نام را بر خود نهادند و درست برعکس خواست رهبر انقلاب کشتگری می‌کنند. در آستانه سفر مسعود پزشکیان در قامت نماینده ملت بزرگ و تاریخی ایران، آنچه بیش از هر چیز نیاز آن احساس می‌شود، وحدت و اتحاد درونی است، اما این جماعت با کوفتن بر طبل نفاق، قصد دارند پیامی شوم و نامبارک به جهان مخابره کنند که بی‌شک تیر آنها مثل همیشه به سنگ می‌خورد و پزشکیان نماد عزت ایران و ایرانی خواهد شد، ولی این رفتار هیچ‌گاه از دیدگاه مردم پاک نخواهد شد. مردم ایران به همین تفکر و تفرقه‌افکنی نه گفتند، از این تفکر خودی و غیرخودی روی‌گردان شدند و از تمامیت‌خواهی گذر کردند، وگرنه که امروز وحید یامین‌پور‌ها همچنان در سمت‌های بالای دولتی حضور داشتند و کاملا حضور رئیس‌جمهور را با تمام اعضا و جوارح‌شان احساس می‌کردند.

اما پاسخ یامین‌پور به آن توپیت انتقادی این‌طور بود: «اینا معتقدند اگر کسی به رئیس‌جمهور انتقاد کرد باید حقوقش قطع بشه! پس چطور حامیان براندازی، وزیر می‌شن یا در پاستور سمت می‌گیرن؟ آقای پزشکیان از اصل نظام مقدس‌تره؟ نظرتون راجع به اساتید هیئت علمی مخالف با منتقد دولت چیه، همه اخراج بشن؟ به عصر وفاق خوش آمدید. پن: من حقوق بگیر دولت نیستم». پاسخ یامین‌پور به مطلبی که در قبال متن تخریبی علیه رئیس‌جمهور و نه انتقادی نوشته بود، سراسر برجسپ‌زنی و ورود اتهامات جدید بود. چطور ممکن است شخصی در نظام مقدس جمهوری اسلامی، حامی براندازی باشد و مسئولیت دولتی در سطح وزیری یا نهاد ریاست‌جمهوری بگیرد؟ آیا بیان همین حرف از لسان شخصی که خود را انقلابی می‌داند، زیر سؤال بردن عملکرد نهادهای امنیتی و قضائی کشور نیست؟ بله، اگر کسی احساس می‌کند این کشور رئیس‌جمهور ندارد، پس بسیاری خدمات اجتماعی هم بدون رئیس‌جمهور وجود نخواهد داشت. قاعدتا وفای با کسانی معنا پیدا می‌کند که ما ماییت وجود رئیس‌جمهور کشور را به رسمیت بشناسند، نه کسی که چنین احساسی دارد. یامین‌پور و برخی نمایندگان طیف فکری حامی رقیب دکتر مسعود پزشکیان در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری، با وارونه جلوه‌دادن واقعیت‌ها، همواره قصد دارند مردم را نسبت به مدیریت فعلی کشور ناامید کنند و شرایط غیرقابل قبول اقتصادی و جامعه‌ای با گسست‌های اجتماعی بی‌انتهای مسائل فرهنگی عمیق و سیاست خارجی ناموفق را اسب زین‌شده نمایان کنند. شکی نیست که اساس حقوق شهروندی و مبنای آزادی‌های اجتماعی و مدنی در جمهوری اسلامی ایران، هیچ شهروندی را از انتقاد به رئیس‌جمهور منع نمی‌کند، اما این در شرایطی اتفاق می‌افتد که شخص منتقد ابتدا رئیس‌جمهور ایران را به رسمیت بشناسد و بعد او را نقد کند. کسی که فکر می‌کند رئیس‌جمهور در کشور نداریم، چندین پله از نقد عقب‌تر است و هنوز در موقعیتی که امکان بیان نقد داشته باشد، نیست.

**داوود حشمتی**؛ در ایران دو تفکر در مقابل هم قرار داشته‌اند و هنوز هم قرار دارند. تفکری که معتقد است ایران باید تهدیدی برای منطقه و جهان تلقی شود تا جهان حاضر باشد به ایران امتیاز دهد. این تفکر وقتی خطرناک‌تر می‌شود که زمینه‌های اعتقادی جنگ آخ‌الزمانی هم به آن اضافه می‌شود و احتمال بیرون‌آمدن باب و بهائی دیگر از میان آنها به‌شدت وجود دارد.

در مقابل این تفکر، گرایش‌ی وجود دارد که معتقد است ایران نه‌تنها تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه و جهان نیست، بلکه توانایی برقراری صلح در منطقه و هم‌گرایی کشورهای مسلمان علیه هر دشمن خارجی را دارد. این دو تفکر از همان ابتدای انقلاب در مقابل هم قرار داشتند.

یک سوی این تفکر کسانی بودند که اعتقاد داشتند وجه انقلابیگری و براندازی انقلاب اسلامی را باید در منطقه و کشورهای دیگر گسترش داد و تفکری دیگر که معتقد بود صورت انقلاب به معنای صدور تفکر و رایجه «حق‌طلبانه» و وجه «دموکراسی‌خواهانه»، «استقلال‌طلبانه» و «آزادی‌خواهی» ملت ایران در انقلاب است که باید به کشورهای منطقه که همچنان بدون توجه به خواسته‌هایی با نظام پادشاهی اداره می‌شوند، صادر شود.

تفکری که آن روز معتقد بود باید دامنه جنگ ایران و عراق را به کل منطقه (از جمله فلسطین و سوریه و لبنان) گسترش داد تا به این ترتیب جنگ را پایان داد، امروز معتقد است در صورت حمله اسرائیل به یکی از پالایشگاه‌های ایران نه فقط به پالایشگاه‌های عسقلان و حیفا، حمله کرد، بلکه باید به گنبد شمالی قطر، فجیره امارات و آرامکو عربستان مستقیم حمله کنیم. این تفکر همان تفکری است که در انتخابات اخیر شکست خورد و حالا بار دیگر به دنبال ایجاد اجماع جهان علیه ایران است. در اینجا سه ویژگی مهم این تفکر را که عبارت‌اند از «برهم‌زدن نظم و تبدیل‌شدن ایران به تهدیدی برای منطقه و جهان»، «سویه‌های اعتقادی و جنگ آخ‌الزمانی» و «هل‌دادن نظام به تشدید درگیری‌ها و مسدودکردن راه بازگشت» بررسی می‌کنیم و در نهایت سؤال مهم این خواهد بود که «آیا این تفکر به ضرر اسرائیل عمل می‌کند یا آنکه تقویت آن به نفع اسرائیل در منطقه تمام شده و خواهد شد؟».

### برهم‌خوردن موازنه و تلاش برای بازآرندگی

آنچه امروز در منطقه شاهد آن هستیم، تلاش برای برقراری دوباره موازنه قواست. موازنه‌ای که پس از حمله هفتم اکتبر ۲۰۲۳ حماس به اسرائیل بر هم خورد. اسرائیل تلاش می‌کند با طراحی و اجرای عملیات‌های مختلف این موازنه قدرت را بار دیگر برقرار کند. اسرائیل ابتدا تلاش کرد در حملات خود فقط بر مواضع حماس در غزه تمرکز کند و بعد رفته‌رفته دامنه اهداف خود را به کل اجزای مقاومت گسترش داد.

در همین حال با انجام هر عملیات از سوی اسرائیل، با یک دوگانگی در داخل روبرو می‌شویم که حالا صداهای «جنگ‌طلبان» آن بیشتر شنیده می‌شود. اما چرا باید آنها را جنگ‌طلب نامید؟

طبیعی است که وقتی حمله‌ای صورت می‌گیرد برای ایجاد موازنه قوا که نقش بازآرندگی داشته باشد، هیچ‌کس با انجام عملیات متوازن مخالفی نداشته باشد. اما آنچه رادیکال‌های داخلی (و البته تندروهای نشست‌ه در تل‌آویو) می‌خواهند، خروج از عملیات متوازن و واردشدن به یک جنگ تمام‌عیار است. از همین منظر اگر نگاه کنیم، رادیکال‌های داخلی با پیشنهاد انجام عملیاتی را نمی‌دهند یا پیشنهادات آنها در حد استفاده از موشک است. به طور مثال اسرائیل با انجام عملیات تروریستی از طریق پیجرها بیش از سه هزار نفر از نیروهای حزب‌الله را زخمی و مجروح کرده و تعدادی را به شهادت رساند. در پاسخ به این عملیات،



### آیا جنگ منطقه‌ای جنگ آخ‌الزمانی است؟

# تلاش افراطی‌ها برای برهم‌زدن آرامش منطقه

همه حق عملیات تلافی‌جویانه را برای حزب‌الله به رسمیت می‌شناسند. نکته اینجاست که عملیات باید به‌گونه‌ای باشد که از جنس همان عملیات باشد که علاوه بر حفظ برتری، از گسترش دامنه نزاع جلوگیری کند. اما آنچه تندروهای داخلی می‌خواهند اتفاقا برعکس است. آنها خواهان انجام عملیاتی هستند که در همان ابتدا به وسعت تمام منطقه درگیری ایجاد کند. در همین رابطه می‌توان به یادداشت اخیر یکی از نمایندگان مجلس که عضو شورای مرکزی و رئیس کمیته انتخاباتی حزب شریان است، اشاره کرد. حزبی که به لحاظ تفکری از شاگردان علامه مصباح و نزدیک به سعید جلیلی به حساب می‌آید. از لابه‌لای این یادداشت مؤلفه‌هایی که نشان می‌دهد تفکر آنها چه سبستی را برای بین‌المللی» تبدیل کند. تهدیدی که دائمی است و سوبه‌های آخ‌الزمانی دارد.

### راه‌بازگشتی نیست

ایسن تفکر تلاش می‌کند نظام را از هرگونه بازنگری در سیاست‌ها و حتی تحمل و نرمش قهرمانانه منصرف کند. آنها صراحتا می‌گویند «راه برگشتی وجود ندارد» و اگر از این مسیر بازگردیم نه‌تنها گروه‌های وفادار به ایران، بلکه خود ایران را هم اسرائیل نابود می‌کند. در نگاه آنها اسرائیل آن قدر قوی است که می‌تواند کشوری با این وسعت و جمعیت را نابود کند. از همین طریق تلاش می‌کنند ذهن تصمیم‌گیران ایران را تسخیر کنند و هدف قرار دهند. به این بخش از نوشته این عضو شریان باید توجه کرد که مخاطب آن مردم عادی نیستند. روشن است که مخاطب او کدام کانون قدرت است. از همین رو پیامشان را این‌طور بیان می‌کنند که «راه بازگشتی» از تلاش برای تبدیل‌شدن به قدرت منطقه‌ای وجود ندارد و باید همین راه را ادامه دهید: «واضح است که قدرت منطقه‌ای با بین‌المللی‌شدن توبه ندارد و راه بازگشت ندارد و نمی‌شود به سطح یک قدرت ملی ارتجاع کرد و گفت که دیگر با من کاری نداشته باشید! اگر عقب‌گرد کنیم به جز بازیگران وفادار به ما که اتفاقات بدی برایشان خواهد افتاد، سراغ ایران هم خواهند آمد و تمامیت ارضی ما هدف قرار خواهد گرفت. به ما رحم نخواهند کرد و تا نابودکردن همه زیرساخت‌های اقتدار و قدرت ما پیش می‌روند تا مطمئن ش‌شوند نمی‌توانیم دیگر قد علم کنیم». در واقع این جریان می‌گوید که نظام حق ندارد از مسیری که رفته بازگردد و در صورتی که ذره‌ای کوتاه بیاید، نه فقط گروه‌های مقاومت بلکه خودش هم نابود می‌شود. پس راه‌حل از نظر آنها چیست؟ روشن است که توصیه آنها گسترش دامنه جنگ در کل منطقه است.

### آتش‌کشیدن منطقه

ایسن تفکر رادیکال معتقد است راه بازآرندگی به‌آتش‌کشیدن منطقه است. در این مسیر برای آنها فرقی نمی‌کند هدف کجا باشد. مهم این است که اهداف برای متنوع و شامل همه کشورهایی باشد که در منطقه خاورمیانه حضور دارند. به این معنا آنها معتقدند اگر اسرائیل به یکی از پالایشگاه‌های ایران حمله کرد، ایران در مقابل باید از امارات تا قطر و عربستان را هم با خودش وارد جنگ کند. نویسنده عضو حزب شریان ابتدا این سؤال‌ها را مطرح می‌کند: «در دامنه همین مباحث، این سؤال کلیدی در حوزه امنیت ملی پیش آمده است که اگر اسرائیل، پالایشگاه‌های ما را بزند چه؟ آیا می‌توانیم از قدرتمان در منطقه توبه کنیم و مصالحه کنیم و در امان قرار بگیریم؟». در ادامه پاسخ خطرناک خود را ارائه می‌کند: «معادله امنیت ملی ایران می‌گوید که اگر عسلوبی‌ه نیروگاه‌های ما را بزنند آن وقت نه گنبد شمالی قطر، نه فجیره امارات، نه آرامکو عربستان نه پالایشگاه‌های عسقلان و حیفا‌ی اسرائیل لحظه‌ای امنیت نخواهند داشت.»

ایران را نمی‌شناسیم. به‌علاوه نگاه آنها به گروه‌های مقاومت، نگاه گروه‌های نیابتی ایران است. همچنان که در یادداشت آمده: «چرا قدرت ملی مان را نمی‌شناسیم؟ آیا قبلا ما این قدرت را داشتیم که از طریق بازیگران ثالث و پاران وفادار و به شکل نیابتی این کارها را انجام بدهیم؟». این در حالی است که نه آنها خودشان را گروه نیابتی ایران می‌دانند و نه ایران چنین نگاهی به آنها دارد (یا می‌تواند داشته باشد) ایران تلاش می‌کند

### خبر

### با حکم رهبر انقلاب محمد مخبر مشاور و دستیار رهبری شد

رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی محمد مخبر را به عنوان مشاور و دستیار رهبری منصوب و وظیفه ایشان را امتداد سیاست مدبرانه دولت شهید رئیسی برای شناسایی و به‌کارگیری نیروهای جوان و نخبه جهت کمک به دستگاه‌های مختلف، تعیین کردند.

متن حکم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

رهبر انقلاب به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم، جناب آقای دکتر محمد مخبر دام توفیقه با عنایت به خدمات متعهدانه و تأثیرگذار جناب‌عالی در عرصه‌های مدیریتی و اقتصادی به‌ویژه در دولت شهید رئیسی و سیاست درست و مدبرانه به‌کارگیری نخگان و جوانان پرانگیزه و تلاشگر در اجرای طرح‌های گوناگون، شما را به‌عنوان مشاور و دستیار رهبری منصوب می‌کنم. انتظار می‌رود در امتداد سیاست مزبور، شناسایی نیروهای جوان و همکاری با آنان را بر برنامه‌ریزی منطقی، پی‌گرفته و در کمک به دستگاه‌های دولتی و غیره از آن بهره‌برداری نمایید. توفیقات شما را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.».

### اولین روز پزشکیان در نیویورک

رئیس‌جمهور که به منظور شرکت در هفتادونهمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تشریح مواضع جمهوری اسلامی درباره مسائل بین‌المللی، در رأس یک هیئت عالی‌رتبه سیاسی، به نیویورک سفر کرده است، به جز سخنرانی در مجمع سازمان ملل، دیدارهای دوجانبه‌ای با همتانی خود خواهد داشت. همچنین نشست‌هایی با گروه‌ها و افراد مرجع سیاسی، اجتماعی، مذهبی و رسانه‌ای در آمریکا خواهد داشت و ضمن تشریح مواضع کشورمان، به سؤالات آنان پاسخ خواهد داد.
به گفته معاون سیاسی دقت‌ر رئیس‌جمهور «مسعود پزشکیان» طی سه روز کاری در نیویورک با حدود ۲۰ نفر از رؤسای کشورها از جمله رئیس‌جمهور ترکیه، پادشاه اردن و رئیس‌جمهور فرانسه دیدار دوجانبه خواهد داشت. مسعود پزشکیان در بدو ورود به فرودگاه جان اف کندی نیویورک، برای شرکت در هفتادونهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در گفت‌وگویی با اشاره به پیام جمهوری اسلامی ایران در این نشست، اظهار کرد: آنچه مشخص است، پیامی است که از طرف کشورمان برای صلح و امنیت داریم و تحقق شعار اسامل سازمان ملل مبنی بر صلح و آینده‌توأم با توسعه برای همه مردم است. وی افزود: به جای خون‌ریزی و جنگ و کشتار، باید دنیایی درست کنیم که همه انسان‌ها بتوانند در آن راحتی زندگی کنند؛ مستقل از رنگ و نژاد و قومیت و منطقه زندگی. پزشکیان تأکید کرد: متأسفانه فعلا دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، به این شکل نیست، استانداردهای دگانه وجود دارد. یک عده خونخند و عده‌ای هم بدون دلیل بدند؛ درنتیجه مشکلاتی که می‌بینیم به وجود می‌آید، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران یادآور شد: فرصتی که برای زندگی در کره خاکی داریم، برای همه انسان‌ها باید برابر باشد. دیروز نخستین نشست «مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهوری کشورمان در نیویورک با مدیران ارشد رسانه‌های آمریکایی برگزار شد. مدیران و خبرنگاران ارشد رسانه‌های مختلف از جمله ان‌بی‌سی، ای‌بی‌سی‌نیوز، سی‌ان‌ان، نیویورکر، واشنگتن‌پست، آسوشیتدپرس، رویترز و فرانس‌پرس در این نشست حضور داشته که سؤال‌های مختلفی درباره ایران، مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح کردند که رئیس‌جمهور ایران بسیار به صراحت‌نامه اما صمیمانه به تک‌تک سؤال‌ها و نیز به برخی ادعاهای ضدایرانی آنان پاسخ داد. دومین دیدار «مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهوری اسلامی ایران که برای شرکت در هفتادونهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد حضور یافته با گروه الدر برگزار شد. در این دیدار سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان نیز حضور داشت.